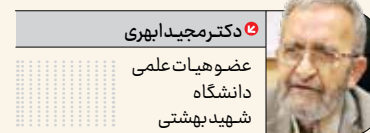


چگونه فرزندان مان را کتابخوان کنیم؟



دکتر مجید ابهری
عضو هیات علمی
دانشگاه
شهید بهشتی

همان‌گونه که ورزش و تمرینات فیزیکی موجب تقویت جسم و ارکان فیزیکی می‌شود؛ مغز و روح نیز به‌وسیله مطالعه تقویت شده و بر زوایای تاریک مجهولات نور می‌افکند.

متأسفانه امروز اکثر خانواده‌ها و طبعاً فرزندان آنها با مطالعه بیگانه هستند. طبق پژوهشی، مطالعه قرآن کریم در جایگاه اول مطالعات خانواده‌ها و بعد از آن ادعیه و مفاتیح در جایگاه دوم قرار می‌گیرند.

بعد از مطالعات کتب دینی به‌طور متوسط روزانه ۱۵ تا ۴۵ دقیقه صرف مطالعه روزنامه‌های مختلف و مجلات تخصصی و غیر آنها می‌شود.

شبکه‌های ماهواره‌ای و گوشی‌های هوشمند فرصتی برای مطالعه منابع نوشتاری باقی نمی‌گذارند.

تازه به فرض یافتن اندک فرصت مناسب بسیاری از خانواده‌ها به تعقیب انواع سریال‌های ماهواره‌ای پرداخته و دیگر حتی زمانی برای گفت‌وگو در مورد مسائل درسی و تربیتی فرزندان باقی نمی‌ماند.

شبکه‌های ماهواره‌ای آنچنان زمان خانواده‌ها را پر کرده که هر شبکه حداقل سه چهار نوبت یک سریال را در ساعات مختلف نمایش می‌دهند تا اطمینان یابند که بالاخره یک قسمت از سریال توسط مخاطبان دیده می‌شود. محور ۹۰ درصد از سریال‌های تولید شده در ترکیه (۸۰ درصد)، سریال‌های کره‌ای (۱۰ تا ۱۵ درصد) و سریال‌های هندی و بقیه ممالک ۱۰ درصد را به خود اختصاص می‌دهند.

سریال‌های غربی با دستمایه‌های غیر اخلاقی یا منشأ و منبع الهام بسیاری از کشورها شده و خود جایگاه ویژه‌ای به محصولات خود اختصاص می‌دهند.

وقتی فرزندان به‌ندرت کتاب در دست والدین می‌بینند و نه در مدرسه زنگ مطالعه برای آنها گذاشته می‌شود، بچه کجا باید این مهارت تکاملی را یاد بگیرند؟

وقتی لوح فشرده (سی‌دی)‌های مختلف بازی‌های متعدد و فیلم‌ها با محتوای جدید با ارزشان‌ترین قیمت‌ها در دسترس فرزندان ماقرار می‌گیرد، زمانی که انواع فیلم‌های آنچنانی بدون هیچ کنترل و نظارت در کنار خیابان‌ها و در نزدیکی مدارس به فروش می‌رسند؛ آدرس‌های انواع سکوهای غیر اخلاقی به‌طور رایگان و فراوان در دسترس نوجوانان قرار می‌گیرد، چگونه می‌توان بچه‌ها را در قبال این هجوم غیر اخلاقی و ضد دین و اکسینه کرد. نهادهای متولی برای برنامه‌ریزی‌های ضروری در پر کردن اوقات فراغت چه امکانات مادی و فرهنگی در اختیار دارند؟

آموزش و پرورش و وزارت ورزش و سازمان‌های مرتبط در ۱۰ سال گذشته چه باری از دوش خانواده‌ها برداشته‌اند؟ یک استخر در غرب یا جنوب تهران هزینه قابل ملاحظه‌ای طلب می‌کنند. با کرایه رفت‌وآمد و خوردن یک ساندویچ هزینه قابل توجهی لازم دارد. در حال حاضر هزینه لازم برای یک سینما نیز رقمی قابل توجه می‌شود. آیا این‌گونه هزینه‌ها در توان خانواده دارای سه فرزند هست؟ در هر منطقه تهران چند مرکز تفریحی و ورزشی وجود دارند؟ مدارس با برگزاری مسابقات علمی و مطالعاتی و فعالیت‌های مشابه می‌توانند در جهت تشویق فرزندان جامعه حرکت کنند.

ورزش‌های کم‌خرج یا رایگان مثل مسابقات پیاده‌روی، دو، کوهنوردی و شنا می‌توانند ضمن آماده‌سازی نوجوانان و جوانان برای تیم‌های استانی و کشوری منشأ سالم‌سازی فرزندان جامعه قرار گیرند.



گفت‌وگو

گزارش

دیباجه

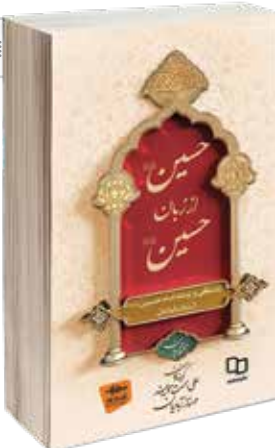
اینفو

کتابی برای آشنایی بیشتر با امام حسین (ع)
و اهداف واقعه عظیم عاشورا

حسین (ع) از زبان حسین

امام حسین (ع) و قیام عاشورا دستمایه پژوهش‌های گسترده و نوشتارهای متعدد و متنوعی است که هرکدام از زاویه‌ای به واقعه عاشورا نگاهی داشته‌اند و آن را روایت کرده یا اهداف و درس‌های آن را مورد واکاوی قرار داده‌اند.

حسین از زبان حسین، نوشته محمد محمدیان، زندگی امام حسین (ع) و واقعه عاشورا را به تصویر می‌کشد. کتابی که به شما کمک می‌کند تا امام حسین و حرکت ایشان به سمت کربلا و در مقابل دشمن قرار گرفتن‌شان را بشناسید و از هدف این واقعه عظیم تاریخی مطلع شوید.



برشی از کتاب

این کتاب در هشت فصل تمام زندگی سیدالشهداء را روایت کرده است. زبان کتاب، زبانی ساده و روان است و شما را حتی اگر علاقه‌مند به شنیدن روایت‌های تاریخی نباشید، جذب این متن ساده و صمیمی می‌کند.

از نقاط قوت و حائز اهمیت کتاب حاضر که باعث جذابیت آن شده این است که از زبان شخص امام حسین (ع) روایت شده. ایشان در این کتاب صوتی، خودشان راوی زندگی خودشان هستند و همین نکته چنان محبت و علاقه‌ای برای شما ایجاد می‌کند که تا انتهای اثر با او همراه خواهید بود.

راوی، یعنی امام حسین (ع) در این کتاب، شهادت حضرت عباس را این‌گونه روایت می‌کند:

«پس از آن‌که همه اصحاب و یارانم به شهادت رسیدند و تنها برادرم عباس در میدان باقی ماند،

شدت تشنگی موجب شد که با هم به سوی فرات حرکت کنیم، دشمن با تمام توان از رسیدن ما به آب ممانعت به‌عمل آورد و جنگ سختی درگرفت که در اثنای آن بین من و برادرم عباس فاصله افتاد. عباس موفق شد از میان انبوه دشمن، راهی به سوی آب پیدا کند و مشک را پر آب کند و به سوی خیمه‌ها بازگردد اما در مسیر افرادی از دشمن در پشت درختان کمین کرده بودند و توانستند از پشت سر، دست عباس را قطع کنند. کسانی که در نخلستان کمین کرده بودند توانستند دست چپ عباس را نیز قطع کنند و او باز هم رجز می‌خواند. بعد از قطع دو دست، عمود آهنینی بر سرش فرود آمد و از اسب بر زمین افتاد و به شهادت رسید. هنگامی که از شهادت عباس اطلاع یافتم به‌شدت گریستم و گفتم: هم‌اکنون کرم شکست و چاره‌ام کم شد.»

خواندن این کتاب به آن دسته از افرادی که تمایل به شناخت امام حسین (ع) دارند اما روایت‌ها و حکایت‌های تاریخی را نمی‌پسندند، به شدت توصیه می‌شود.

در قسمتی از کتاب حسین از زبان حسین می‌خوانیم:

خاطره دیگری را از پدر بزرگوارم علی بن ابی‌طالب (ع) دارم از وقتی که همراه ایشان عازم جنگ صفین بودیم، وارد این سرزمین شدیم. پدرم توقف کرد و نامش را پرسید. هنگامی که از اسم سرزمین مطلع شد فرمود: همین جاست که خیمه‌های‌شان برافراشته می‌شود، همین جاست که خون‌های‌شان زمین را رنگین می‌کند. از پدرم پرسیدند: درباره چه کسانی سخن می‌گویی؟ فرمود: گروهی از اهل بیت رسول خدا (ص) در این سرزمین فرود خواهند آمد.

پس از رسیدن به کربلا نامه‌ای کوتاه به برادرم محمد و خاندان بنی‌هاشم در مدینه فرستادم:

«بسم‌ا... الرحمن الرحیم

نامه‌ای از سوی حسین بن علی برای محمد بن علی و کسانی از بنی‌هاشم که در نزد او هستند.

سخنی که می‌خواهم بگویم این است:

گویا دنیا از آغاز وجود نداشت، گویا آخرت از ابتدا جاودانه بود. خدا حافظ.»

درنگ

اسلام زنده به

نهیضت حسین (ع) است

در هر حال نهیضت حسینی در برابر زورگویی، بیدادگری و بی‌بندوباری که با ریخته‌شدن خون پاک آن حضرت، فرزندان، خویشان و یارانش و تاراج رقتن مال و اسیر شدن زن و بچه وی خاتمه پذیرفت با خصوصیات و مشخصاتی که دارد، یک واقعه اختصاصی است که در صفحات تاریخ نهیضت‌های جهانی، همانندی برای آن نمی‌توان یافت و به جرأت می‌توان گفت که اسلام زنده این واقعه است و اگر این واقعه اتفاق نیفتاده بود، بنی‌امیه اسمی و رسمی از اسلام باقی نگذاشته بودند. / منبع: کتاب تعلیم اسلام، ص ۱۷۴



حسین (ع)

یک شخصیت حماسی

آیا حسین بن علی (ع)، حادثه حماسی دارد یا ندارد؟ آیا شخصیت حسین بن علی (ع)، یک شخصیت حماسی هست یا نیست؟ ما باید شخصیت حسین بن علی (ع) را که برای ما یک شخصیت انسانی است، بشناسیم. این مرد که ماهر سال به نام او وقت‌ها صرف می‌کنیم، پول‌ها خرج می‌کنیم، روزها تعطیل می‌کنیم، باید خصوصیاتش برای ما شناخته شود، و از جمله خصوصیات او همین است که آیا حسین (ع) یک شخصیت حماسی هست یا نه؟ آیا ما باید با وجود حسین (ع) و سرگذشت او یک احساس حماسی داشته باشیم یا یک احساس تراژدی، مصیبت، رثا و نغله شدن؟ در اینجا لازم است مختصری توضیح بدهیم: شخصیت‌های حماسی که اغلب در منظومه‌های حماسی از آنها یاد شده است، جنبه نژادی و قومی دارند و این اعم است از شخصیت‌های افسانه‌ای مثل رستم و اسفندیار یا شخصیت‌های واقعی مثل جلال‌الدین خوارزمشاه در تاریخ ایران. غالباً قهرمانان یک قوم، اعم از واقعی و افسانه‌ای، از آن نظر که انتساب به آن قوم دارند، احساسات آن مردم را تحریک می‌کنند. اصولاً قهرمان دوستی و قهرمان پرستی جزء سرشت بشر است، مخصوصاً وقتی قهرمان، تعلقی هم به انسان داشته باشد که انسان بخواهد به او افتخار کند. زمانی که قهرمان‌های کشتی موفقیتی به‌دست می‌آورند به راستی مردم برای آنها ابراز احساسات می‌کنند، یا قهرمانی که هالتر بلند کرده و رکورد را شکسته و مثلاً سه کیلو بیشتر از رکورد جهانی بالا برده است چقدر تاج‌گل‌نثارش می‌کنند یا برای کسی که کشتی‌گرفته و بایک فن حریف خود را ضربه فنی کرده است به راستی ابراز احساسات می‌کنند. اینها به خاطر این است که قهرمان دوستی و قهرمان پرستی در سرشت بشر است و ضمناً او از قهرمان ملت و قوم خودش تجلیل می‌کند نه از قهرمان دیگری. در کشتی‌های بین‌المللی، افراد هر ملت (چه آنهایی که از نزدیک شاهد مسابقه هستند و چه آنهایی که رقابت را از طریق رادیو دنبال می‌کنند) احساسات‌شان متوجه هموطنان خودشان است که افتخاری برای وطن و قوم خودشان کسب کنند. ما وقتی داستان رستم، اسفندیار و افراسیاب و این‌طور چیزها را می‌خوانیم، چون می‌گویند افراسیاب از ماوراءالنهر و از یک ملت دیگری بوده و رستم از ملت ایران بوده است، قلباً دل‌مان می‌خواهد که همیشه پیروزی را رستم باشد و افسانه‌ساز هم افسانه‌ها را چنان ساخته که با ذائقه ما جور دربیاید، یعنی همیشه آن طرف مغلوب و محکوم و این طرف غالب و قاهر باشد. این حماسه‌ها، حماسه‌های قومی است، یعنی اختصاص به یک قوم و نژاد معین و یک آب و خاک معین دارد، اما مطلب در مورد حسین (ع) غیر از این است حسین (ع) یک شخصیت حماسی است اما نه آن‌طور که جلال‌الدین خوارزمشاه یک شخصیت حماسی است و نه آن‌طور که رستم افسانه‌ای یک شخصیت حماسی است. امام حسین (ع) یک شخصیت حماسی است اما حماسه انسانیست، حماسه بشریت، نه حماسه قومیت. سخن حسین (ع)، عمل حسین (ع)، حادثه حسین (ع)، روح حسین (ع)، همه چیز حسین (ع) هیجان است، تحریک است، درس است، القای نیروست، اما چه جور القای نیرویی؟ چه جور درسی؟ آیا از آن جهت که مثلاً به یک قوم به خصوصی منتسب است؟ یا از آن جهت که شرقی است؟ یا از آن جهت که مثلاً عرب است و غیرعرب نیست؟ یا به قول بعضی از ایرانی‌ها از آن جهت که زتش ایرانی است؟ اساساً در وجود حسین (ع) چنین حماسه‌هایی نمی‌تواند وجود داشته باشد و علت شناخته نشدن حسین (ع) هم همین است. چون حماسه او بالاتر و مافوق این‌گونه حماسه‌هاست، کمتر افرادی می‌توانند او را بشناسند. حالا ببینیم که واقعا چگونه است.

برگرفته از کتاب حماسه حسینی؛ استاد شهید مرتضی مطهری